



بازدارد و نیز شیطان را از من بازدارد اَللّهُمَّ لَا يَغْلِبْ جَهْلُهُ اَنَاتَكَ اَنْ يَسْتَفِرَّنِي وَ يَسْتَخْفِنِي اَللّهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاتُ خدایا چیره نگردد نادانی او بر حوصله تو که در نتیجه مرا به ناراحتی کشاند و سبکم شمارد خدایا من به تو پناهنده شدم اَللّهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاتُ خدایا به تو پناهنده شدم خدایا به تو پناهنده شدم و از برای این حرز حکایت عجیبی است که روایت کرده آن را ابوالصّلت هروی که گفت مولای من علیّ بن موسی الرضا علیه السلام روزی نشسته بود در منزل خود داخل شد بر او رسول ماءمون و گفت که تو را امیر می طلبد پس امام برخاست و مرا گفت نمی طلبد مرا ماءمون در این وقت مگر بجهت کاری سخت و به خدا که نمی تواند با من کاری بد کردن جهت این کلمات که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رسیده ابوالصّلت گفت همراه امام علیه السلام بیرون رفتم نزد ماءمون چون نظر حضرت بر ماءمون افتاد این حرز را تا آخر خواند پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل ماءمون نظر کرد بسوی او ماءمون و گفت ای ابوالحسن امر کرده ام که صد هزار درهم بجهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری پس چون امام پشت گردانید ماءمون نظر در قفای امام کرد و گفت اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر بوده است . موفق باشید